



احسان طبری

۱۲۹۵ - ۹ اردی بهشت ۱۳۶۸

احسان طبری ، نویسنده و پژوهندهٔ چهل سال اخیر فرزند حسین طبری (یکی از عالمان دین در شهرسازی مازندران) بود. طبری دورهٔ کودکی، نونهالی و تحصیل مدرسهٔ ابتدائی را در زادگاهش گذرانید. خود در کتاب «دههٔ نخستین» (۱۳۵۸) توصیف خوبی از آن روزگار و شنیدنیها و خواندنیهای زندگیش بر جای گذاشته است .

در دورهٔ تحصیل دبیرستان و دانشکده (در تهران) به سائقهٔ جویایی و نوخواهی به گروه پیروان و همفکران دکتر تقی ارانی پیوست و با مکتب مادیگری و مبانی مقدماتی سوسیالیسم و کمونیسم آشنایی گرفت و در پی آن در ۲۶ اردیبهشت ۱۳۱۶ همراه پنجاه و دو تن دیگر ، درس بیست و یک سالگی به زندان در افتاد و در سال ۱۳۱۹ به اراک تبعید شد و با پیشامد شهریور ۱۳۲۰ آزادی یافت و چون گروهی از همان یاران زندانی با جمعی دیگر حزب توده را تشکیل دادند او هم به دنبال تفکرات اجتماعی و جذبات پیشین عضویت آن حزب را پذیرفت و از فعالان دل سپرده شد. در میانهٔ آن جمع یکی از چند تنی بود که ذوق سرشار ادبی و شور کتابخوانی و هنر نویسنده گی داشت. پس نام آوری یافت و در نگارش روزنامه‌ها و نشریات حزبی پیشگامی گرفت. از آن جمله مجلهٔ ماهانهٔ مردم به سردبیری او نشر می شد (از ۱۳۲۵ - ۱۳۲۷).

پس از پیش آمد حوادث غیرمیلی آذربایجان ، سپس حادثهٔ تیرزدن به شاه در دانشگاه چون حزب توده غیرقانونی اعلام شد طبری بمانند جمعی دیگر از افراد حزب از ایران رفت و قریب به سی سال روزگار کارآوری و توانائی جسمانی او در غربت و آوارگی از وطن در شوروی و آلمان شرقی و احتمالاً بعضی از کشورهای از آن سنج گذشت . اقامت در آن

سرزمینها مجالی بود که اطلاعات عینی و علنی او درباره آن کشورها و مرامشان زیاد شود و بیشتر دریابد که نحوه زندگانی در آن جوامع چگونه است و توفیق مرام پذیرفته او تا چه حد تواند بود.

در مسکو به فرا گرفتن معارف کمونیستی دانشگاهی پرداخت و ضمناً برای او فرصتی پیش آمده که زبانهای روسی و آلمانی را خوب بیاموزد و با دانستن زبانهای انگلیسی و فرانسه که در ایران فرا گرفته بود دامنه دانش خود را گسترش دهد.

در دوران مهاجرت چند رساله حزبی و سیاسی به چاپ رسانید و در نگارش مجله دنیا (دوره دوم و سوم) همکاری عاشقانه می کرد و مقالات زیادی در آن به چاپ رسانید. با حوادث تازه ایران در نیمه دوم سال ۱۳۵۷ به وطن بازگشت و باز به فعالیت سیاسی و حزبی پرداخت. تا اینکه در اواخر خزان، ۱۳۶۰ به زندان در افتاد و در نهم اردیبهشت ۱۳۶۸ در گذشت.

در دوره زندان اخیر، بیشتر به سنجش عقاید و آرای پراکنده که زندگی را با آن گذرانیده بود. نتیجه و حاصل مطالعات این دوره دو کتابی است که به نامهای «کژراهه» و «شناخت و سنجش مارکسیسم» به چاپ رسیده و مضامین آنها ناسخ فعالیتها و عقاید اجتماعی و سیاسی اوست که نوشته های پیشینش مظاهر کامل آن طریقه از تفکر بود. یزدانبخش قهرمان، شاعر آزاده، قطعه ای در مرگ او سروده است. چون تنها رئائی است که دیده شد از «آدینه» (ش ۳۳) نقل می شود:

مرگ تن شادمانی جان بود
جان به تن در مضیق زندان بود
که نصیبش ز عمر حرمان بود
غافل از خضر ره، که شیطان بود
رهنمایش به آب حیوان بود
مات و گم کرده راه و حیران بود
پی انگشتر سلیمان بود
در فضاها تیره سرگردان بود
وز جهان رفتنش نه آسان بود
که ورا مرگ فجاء درمان بود
رنج او غمغزای یاران بود
که چنو کم کسی در ایران بود
ایش برتر هنر که انسان بود

طبری رفت و جانش از غم رست
جانش از قید تن رهائی یافت
هیچگاه آن چنانکه خواست نزیست
خواست تاره برد به آب حیات
رهروی با دودیده شبکور
به جوانی فتاده در ظلمات
ملکی بود کز وسوس دیو
اختری دور مانده از فلکش
در جهان بودنش بسی دشوار
آخر عمر دردمندی شد
خوب شد رفت زانکه گر می ماند
بس کنم زمین سخن از او گفتن
با همه فضل و دانش و هنری

آثار طبری را باید در چهار دوره فهرست کرد :

الف) نوشته‌های دوره حزب توده

- (سالهای ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷) که از فهرست خانابا مشار آورده می‌شود .
- ۱- آنتی روزیک (از فردریک انگلس). (۹۰ ص)
 - ۲- شکنجه و امید . ۱۳۲۶ (۱۱۶ ص)
 - ۳- در دوزخ . ۱۳۲۷
 - ۴- رؤیای چینی . ۱۳۲۷
 - ۵- دو هفته در اتحاد جماهیر شوروی . با همکاری مهندس کیانوری (۱۰۸ ص)
 - ۶- خدایان از بندرسته . (به امضای طباطبا که ظاهر آ اوست)

ب) نوشته‌های روزگار غربت .

- (چاپ شده در کشورهای اروپای شرقی) - (۱۳۲۸-۱۳۵۷) : نام و مشخصات آنها از روی فهرستهای W. Behn استخراج می‌شود .
- ۷- گنومات . ۱۳۴۳/۱۹۶۴ (۱۱۴ ص)
 - ۸- بررسیهایی در باره برخی از جهان بینی‌ها و جنبشهای اجتماعی در ایران . ۱۳۴۸/۱۹۷۰ (۴۰۶ ص)
 - ۹- بنیاد آموزش انقلابی . ۱۳۵۰/۱۹۷۱ (۱۲۱ ص)
 - فروپاشی نظام سنتی و زایش سرمایه‌داری در ایران از آغاز تمرکز قاجار تا آستانه انقلاب مشروطیت . ۱۳۵۴/۱۹۷۵ (۱۵۵ ص)
 - ۱۰- الفبای مبارزه . استکهلم ۱۳۵۶/۱۹۷۷ (۴۲ ص)
 - ۱۱- جامعه ایران در دوران رضاشاه (یک تحلیل عمومی) . ۱۳۵۶/۱۹۷۷
 - ۱۲- فرهاد چهارم . استکهلم . ۱۳۵۶/۱۹۷۷ (۷۱ ص)

ج) نوشته‌های دوره بازگشت به ایران (۱۳۵۷ - ۱۳۶۰).

فهرستی از چاپ شده‌های این دوره که آن مرحوم خود به‌من داده است درینجا بطور عکس چاپ می‌شود .

شماره ترتیب	نام کتاب	تعداد صفحات	مشخصات
۱	عرفی بر وسایل دربارہ جان بنی و جناب اقبالی	۵۴۱	چاپ دوم - ۱۳۵۸ - نشرات سہای خاصہ اشکانات قزوین (سئس بس. خ. ا. ت. ۱) - بہان
۲	فوزتہ زوی فلسفی - اقبالی (ترویج مقالات)	۵۷۱	چاپ دوم - بہان - ۱۳۵۹ - بہان نشرات
۳	گوشا (درام تاریخی منظوم)	۱۳۸	چاپ دوم - ۱۳۵۸ - بہان
۴	خانوادہ برہنہ (زمان)	۲۶۰	چاپ اول - ۱۳۵۸ - ..
۵	فرخندہ چہارم (درمان تاریخی)	۱۴۴	چاپ دوم - ۱۳۵۸ - ..
۶	سفر جاوہ (از اساطیر تا تاریخ)	۲۲۱	چاپ دوم - ۱۳۵۸ - ..
۷	دہندہ نخستین (انجمن ایرانی)	۲۱۲	چاپ اول - ۱۳۵۸ - ..
۸	داندہ مستم (داستان)	۲۰۸	چاپ اول - ۱۳۵۸ - ..
۹	سابقہ از فریب و خبرہ زبان و تجربہ (مقالات)	۲۷۶	چاپ اول - ۱۳۵۹ - انتشارات مرداب - بہان
۱۰	افسان بر آئین اقبالی و در مقام فریب (ترویج مقالات)	۱۳۲
۱۱	فقدای رہنموی بحرانی	۱۰۴
۱۲	بنیاد آموزش اقبالی (ادبیات)	۱۶۵	چاپ دوم - بہان - ۱۳۵۸ - سئس بس. خ. ا. ت.
۱۳	شکستہ امیہ (در سائنس فلسفی) (پروپوزیشن علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)	۱۲۹ ۱۳۵۹
۱۴	برخی مسائل حاد افکار ایران (ترویج مقالات دہدہ نخستین)	۹۷ - I ۱۶۱ - II	چاپ اول - بہان - ۱۳۵۸ - .. چاپ اول - .. - ۱۳۵۹
۱۵	مطالیہ درباره شناخت ایران و چہان	۷۸ ۱۳۵۸
۱۶	حاجت و حاجت شناسی (مقالہ)	۳۸	چاپ دوم - انتشارات مرداب
۱۷	دربارہ داستان و داستان نگاری (مصاحبہ)	۳۲	چاپ اول - .. ۱۳۵۹ - انتشارات سہای خاصہ اشکانات قزوین

پلاژ آوری - طی تیرہ مرداد امیرہ از طرف سئس بس. خ. ا. ت. - ایران در دوسہ ذہ الپن -
 (چاپ دوم) - از ایش و کتہش سئس بس. خ. ا. ت. (چاپ اول) - در تجربہ سفر بنام "قرانہ ای خواتون"
 - "طادوس" - تہذیب و سئس بس. خ. ا. ت. - "گوشہ ای از ادب پارسی" - فخر خواہ یافت.

ضمناً گفته شود که چون در قسمت معرفی کتابهای تازه سال ۱۳۶۰ مجله آینده کتاب «مولوی هگل شرق» به نام او معرفی شده بود چنین توضیحی را درباره آن به من نوشت: «اتفاقاً این بدبختی تجدید شد که (مولوی هگل شرق) که همان عنوانش سراپا غلط است و در ایام انقلاب کاسبکاران به نام اینجانب نشر دادند در مجله معتبر شما نیز به نام من ثبت شده است! این کتاب را مرحوم امامی (نورو) برادر ظهور الاسلام و امام جمعه تهران در زمان پهلوی نوشته و مطالب آن در سطح نازلی است و خداوند مرا از نگارش مطالبی تا این حد نامربوط مصون بدارد! این را هم نوشتم که منعکس بفرمائید بلکه برای اطلاع نوشتم که شاید تصحیحی در جایی چاپ کنید که جزو مذکور در فوق به نگارنده مربوط نیست.»

لازم به یادآوری است که از کتابهای مذکور در یادآوری او ظاهراً فقط کتاب اول به چاپ رسیده است. پس ازین نوشته تا به زندان در افتادنش چه چاپ شده است نمی دانم، مگر این کتابچه که نامشان در یکی از فهرستهای W. Behn آمده است:

۲۹- ایران در دوسده واپسین ۱۳۶۰ (۳۰۳ ص) (مجموعه ای است از دو کتاب شماره های ۸ و ۱۰)

۳۰- چهره يك انسان انقلابی (برخی مسائل اخلاقی و انسان شناسی) ۱۳۶۰ (ص ۶۳)

۳۱- در باره منطق عمل (چگونه می توان به اجتماعی مبنای علمی بخشید؟) ۱۳۶۰ (ص ۲۱)

۳۲- دو مقاله درباره تبلیغات ۱۳۶۱ (۲۷ ص)

د) نوشته های دوران زندان هشت ساله پایان زندگی

۳۳- کز راهه (خاطراتی از تاریخ حزب توده) خرداد ۱۳۶۶ (۳۱۸ ص) (دو یا سه بار چاپ شده)

۳۴- شناخت و سنجش مارکسیسم . ۱۳۶۸ . (۴۹۸ ص)

شنیده شد که در زندان کتابی در نقد افکار کسروی و تقی زاده و صادق هدایت و فریدون آدمیت نوشته است.

طبری رفت و از او به میراث ماند نوشته هایی که فهرست آنها را دیدیم . قسمتی از آنها جنبه ادبی ، پژوهشی و تاریخی دارد و قسمتی منحصرأ سیاسی و هیجانی و یادگار روزهای جوانی و آوارگی و فریفتگی است . چون سیاست و هیجان همواره با تحولات روزگار و تمایلات نفسانی دوره های زندگی در گذرست از نوشته های سیاسی فقط نقشی در سرگذشتها می ماند . اما آنچه ادبی و تاریخی و دور از عوامل سیاسی روز است یادگار ماندگار قلم و فکر نویسنده ای است که تحولات زندگیش را باید از «نخستین دهه» تا «کز راهه» خواند .